



اصول حاکم بر نبردهای هوایی در مخاصمات مسلحانه بین المللی

تالیف

دکتر عباس تدینی

(استادیار دانشگاه شیراز)

مهناز غضنفری گوغری

(وکیل پایه یک دادگستری)

انتشارات قانون یار

۱۳۹۷

سرشناسه	: تدینی، سیدعباس، ۱۳۳۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: اصول حاکم بر نبردهای هوایی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی/تالیف عباس تدینی، مهناز غضنفری گوغری.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات قانون یار، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری	: ۱۷۰ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۹۶-۰۳-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۱۹ - ۱۲۶.
موضوع	: حقوق بین‌المللی هوایی و فضائی
موضوع	: Airspace (International law)
موضوع	: جنگ هوایی
موضوع	: Air warfare
شناسه افزوده	: غضنفری گوغری، مهناز، ۱۳۶۸ -
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷ ت ۴الف/۶/۱۱۴۵ KZD
رده بندی دیویی	: ۴۶/۳۴۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۹۲۷۶۹

انتشارات قانون یار

اصول حاکم بر نبردهای هوایی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی

تألیف: دکتر عباس تدینی - مهناز غضنفری گوغری

ناشر: قانون یار

ناظر فنی: محسن فاضلی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۲۱۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۹۶-۰۳-۹

مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، پلاک ۹۲

تلفن: ۶۶۹۷۳۹۶۰ کتابفروشی رسولی (چراغ دانش سابق)

در کمال خضوع تقدیم به:

خدایی که آفرید

جهان را، انسان را، عقل را، علم را، معرفت را، عشق را

و به کسانی که عشقشان را در وجودم دمید

تقدیم به پدر بزرگوار و مادر مهربانم

آن دو فرشته ای که از خواسته هایشان گذشتند، سختی ها را به جان خریدند و خود را سپر بلای

مشکلات و ناملایمات کردند تا من به جایگاهی که اکنون در آن ایستاده ام برسم.

و در نهایت تقدیم به بزرگترین یاورم، برادر بزرگوارم دکتر محسن غضنفری که همواره در طول

زندگی، تکیه گاه من در مواجهه با مشکلات بوده و وجودش مایه دلگرمی من است.

سپاسگزاری

سپاس خدای را که سخنوران، در ستودن او بمانند و شمارندگان، شمردن نعمت های او ندانند و کوشندگان، حق او را گزاردن نتوانند. سپاس بی کران پروردگار یکتا را که هستی مان بخشید و به طریق علم و دانش رهنمونمان شد و به همنشینی رهروان علم و دانش مفتخرمان نمود و خوشه چینی از علم و معرفت را روزیمان ساخت و سلام و دورد بر محمد و خاندان پاک او، طاهران معصوم، هم آنان که وجودمان وامدار وجودشان است.

من لم یشکر المنعم من المخلوقین لم یشکر الله عزّ و جلّ":

از پدر و مادر عزیزماین دو معلم بزرگوارم... که همواره بر کوتاهی و درشتی من، قلم عفو کشیده و کریمانه از کنار غفلت هایم گذشته اند و در تمام عرصه های زندگی یار و یآوری بی چشم داشت برای من بوده اند؛ از استاد با کمالات و شایسته؛ جناب آقای دکتر عباس تدینیکه در کمال سعه صدر، با حسن خلق و فروتنی، از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ ننمودند و زحمت راهنمایی این رساله را بر عهده گرفتند؛ از استاد صبور و بزرگوارم، جناب آقای دکتر نادر مردانی، که زحمت مشاوره این رساله را در حالی متقبل شدند که بدون مساعدت ایشان، این پروژه به نتیجه مطلوب نمی رسید؛ و از استاد فرزانه و دلسوز؛ جناب آقای دکتر فرهاد طلایی که در طول دوران تحصیل از قدرت علمی ایشان بهره فراوان بردم و اکنون زحمت داوری این رساله را متقبل شدند؛ کمال تشکر و قدردانی رادارم. باشد که این خردترین، بخشی از زحمات آنان را سپاس گوید.

فهرست مطالب

فصل اول..... ۹

۹..... بررسی مفاهیم اساسی

۹..... پیشگفتار

۹..... مبحث اول: جنگ و حقوق حاکم بر آن

۹..... گفتار اول: مفهوم حقوقی جنگ

۱۰..... الف) تعریف جنگ

۱۰..... عنصر تشکیلاتی و سازمان (ارگانیک)

۱۱..... عنصر مادی (اعمال قدرت مسلحانه)

۱۱..... عنصر معنوی یا روانشناسی (قصد و نیت جنگ)

۱۲..... هدفدار بودن جنگ (منافع و مصالح ملی)

۱۳..... گفتار دوم) حقوق جنگ

۱۴..... طبقه بندی منابع

۱۷..... مبحث دوم: کلیات نبرد هوایی

۱۷..... گفتار اول: مفهوم شناسی نبردهای هوایی

۲۰..... گفتار دوم: عرصه نبردهای هوایی

۲۵..... مبحث دوم: رزمندگان در نبردهای هوایی

۳۵..... گفتار دوم: هواپیماهای بدون سرنشین در نبردهای هوایی:

۴۲..... نتیجه گیری

فصل دوم..... ۴۵

۴۵..... حقوق حاکم بر نبردهای هوایی

۴۵..... پیشگفتار

۴۶..... مبحث اول: قواعد قراردادی و قواعد عرفی در جنگ های هوایی

۴۶..... گفتار اول: قواعد عرفی

۵۳..... گفتار دوم: بررسی قواعد قرار دادی حاکم بر جنگ های هوایی

۷۳..... مبحث دوم : بی طرفی و جنایت جنگی در جنگ های هوایی



گفتار اول: بیطرفی در جنگ هوایی ۷۳

گفتار دوم: جنایت جنگی در جنگ های هوایی ۸۵

نتیجه گیری ۸۹

فصل سوم ۹۱

بررسی ابعاد حقوقی جنگ های هوایی با تاکید بر جنگ های دو دهه اخیر ۹۱

پیشگفتار ۹۱

مبحث اول: جنگ هوایی علیه عراق و یوگسلاوی ۹۱

گفتار اول: جنگ های هوایی امریکا علیه عراق ۹۱

گفتار دوم: حملات هوایی علیه یوگسلاوی ۹۷

مبحث دوم: حمله آمریکا علیه افغانستان، حملات هوایی عراق علیه ایران ۱۰۱

گفتار اول: جنگ آمریکا علیه افغانستان ۱۰۱

گفتار دوم: حملات هوایی رژیم بعثی عراق علیه ایران ۱۰۶

نتیجه گیری ۱۱۲

منابع و مآخذ ۱۲۰

کتابها ۱۲۰

اسناد ۱۲۳

منابع انگلیسی ۱۲۴

کتاب ۱۲۴

مقالات ۱۲۴

اسناد ۱۲۷

سایت های اینترنتی ۱۲۷

ضمائم ۱۲۸

فصل اول

بررسی مفاهیم اساسی

پی‌شگفتار

جنگ از دیرباز جزو مهمترین راهکارهایی است که کشورها برای پیش بردن اهداف و تحمیل خواسته های خود به سایر دولت ها از آن استفاده می کردند، جنگ دارای پیشینه بسیار دیرینه ایست و میتوان گفت که از زمان پیداش دولتها، جنگ نیز ایجاد شد، اما استفاده از ماشین های پرنده در صحنه جنگ ها، دولت ها را با چالشی جدید مواجه کرد چرا که دول استفاده کننده از این ابزارها می توانستند با به کارگیری این وسایل به سرعت سایر سرزمین ها را به نابودی بکشانند و نتیجه جنگ را به نفع خود رقم بزنند اما با پیشرفت صنعت و تکنولوژی و همه گیر شدن استفاده از هواپیماها در جنگ به منظورهای گوناگون و نهایتاً بمباران ها و سایر عملیات نظامی باعث شد که کشورها خود را با نوع جدید از جنگ یعنی جنگ هوایی مواجه ببینند و امروزه از جدیدترین مسائل در فرایند توسعه و تحول سریع جنگ مدرن، استفاده از نیروی هوایی است که مفاهیم و ابزارها و قواعد خاص خود را می طلبید در ادامه مطالب به بررسی مفاهیم جنگ هوایی خواهیم پرداخت و البته در ابتدا به جهت فهم بهتر مطالب کلیاتی از جنگ و حقوق حاکم بر آن مطرح خواهد شد.

مبحث اول: جنگ و حقوق حاکم بر آن

گفتار اول: مفهوم حقوقی جنگ

در مورد حقوق جنگ دو نظریه افراطی وجود دارد: عده ای جنگ را مطلقاً ممنوع می کنند و عده

ای دیگر بدون هیچ قید و شرطی از آن تجلیل به عمل می‌آورند البته نظریه بینابینی نیز مطرح است که به موجب آن جنگ در برخی حالات مضر، لیکن لازم است.

الف) تعریف جنگ

جنگ یک پدیده آسیب‌شناسی اجتماعی و عامل تغییر شکل سیاسی است که میتوان آن را از لحاظ تاریخی، سیاسی، اقتصادی، نظامی، جامعه‌شناسی و غیره مورد مطالعه و بررسی قرار داد در حقوق بین‌الملل، جنگ شیوه اجبار همراه با اعمال قدرت و زور است که میتوان آن را از نظر حقوقی چنین تعریف نمود: جنگ به عنوان «ابزار سیاست ملی»، مجموعه عملیات و اقدامات قهرآمیز مسلحانه‌ای است که در چهارچوب مناسبات کشورها (دو یا چند کشور) روی میدهد و موجب اجرای قواعد خاصی در کل مناسبات آنها با یکدیگر و همچنین با کشورها ثالث میشود. در این جهت، حداقل یکی از طرفین مخاصمه در صدد تحمیل نقطه نظرهای سیاسی خویش بر دیگری است. به این ترتیب، عملیات قهرآمیز مسلحانه‌وسيله و هدف تحمیل اراده مهاجم میباشد. از تعریف ارائه شده میتوان چنین نتیجه گرفت که مفهوم حقوقی جنگ شامل چهار عنصر یا رکن اساسی است: عنصر تشکیلاتی و سازمانی (کشورها)، عنصر مادی (اعمال قدرت مسلحانه)، عنصر معنوی یا روانشناسی (قصد و نیت جنگ) و سرانجام هدفدار بودن جنگ (منافع و مصالح‌حلی).^۱

عنصر تشکیلاتی و سازمان (ارگانیک)^۲

یکی از عناصر اساسی سازنده مفهوم جنگ، عنصر تشکیلاتی و سازمانی یعنی «کشورها» میباشد. جنگ مستلزم نبرد نیروهای مسلح کشورها با یکدیگر است؛ از این رو، جنگ به عنوان نوعی رابطه کشور با کشور تلقی میشود.

این عقیده مخصوصاً از سوی «ژان ژاک روسو» در کتاب «قرارداد اجتماعی» (۱۷۶۲) ابراز شده است: «جنگ به هیچ وجه رابطه انسان با انسان نیست؛ بلکه رابطه کشور با کشور است که در آن افراد، نه به عنوان انسان و یا حتی به عنوان تبعه، بلکه به مثابه شهروندان و مدافعان و تنها بر حسب تصادف و اتفاق با یکدیگر دشمن شده‌اند»^۳

^۱- ضیلی بیگدلی، محمدرضا، حقوق جنگ، ص ۴۵

^۲- همان، ص ۴۶

^۳- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، "نگرش اجمالی به حقوق جنگ"، ص ۴۸

عنصر مادی (اعمال قدرت مسلحانه)

عنصر دیگر جنگ، عنصر مادی است و آن اعمال قدرت یا خشونت مسلحانه واقعی و عملی می‌باشد. به عبارت دیگر، جنگ همواره با عملیات و اقدامات قهرآمیز مسلحانه همراه است که توسط نیروهای مسلح کشورهای متخاصم و تحت فرماندهی، اقتدار و مسئولیت آنها صورت می‌گیرد. «بدون استفاده از نیروی اسلحه، جنگ معنی و مفهوم حقوقی ندارد. اصطلاح «جنگ سرد» که حالات گوناگون برخورد هائیهقیدتی میان شرق و غرب را پس از جنگ جهانی دوم نشان می‌دهد، فاقد مفهوم جنگ است. حقوق بین الملل مشخص نمی‌کند که عملیات قهرآمیز مسلحانه باید در چه سطحی باشد تا جنگ تلقی شود؛ ولی بطور کلی و از حیث حقوقی، جنگ زمانی آغاز می‌شود که توسل مؤثر و واقعی به اسلحه صورت گرفته باشد. جنگ با آتش بس (کهمتار که موقت یا دائمی جنگ را موجب می شود) خاتمه نمی پذیرد. آتش بس پایان عملیات جنگی است نه پایان خود جنگ پایان قطعی جنگ هنگامی است که با انعقاد معاهده ای صلح میان متخاصمان برقرار باشد.^۱

عنصر معنوی یا روانشناسی (قصد و نیت جنگ)

عنصر سوم جنگ، عنصری معنوی یا روانشناسی است و آن اراده قطعی یکی از طرفین متخاصم است؛ زیرا جنگ بدون قصد و نیت، معنی و مفهومی ندارد. در کنفرانسهای لاهه (۱۹۰۷)، کشورهای امضا کننده معاهدات، اعلام صریح اراده راجهت مبادرت به جنگ، ضروری دانستند. طبق عهدنامه سوم مربوط به شروع مخاصمات مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷، جنگ قانوناً زمانی آغاز می‌شود که اخطار صریح قبلی به صورت اعلامیه جنگ بدون قید و شرط تلقی می‌شود، صورت گرفته باشد. هرگاه یک یا چند کشور های متعاهد عهدنامه سوم، مخاصمات را بدون اعلام قبلی آغاز کنند. از تعهدات خود عدول کرده و مرتکب جرم بین المللی شده است. الزام به اعلام قبلی جنگ یک قاعده قراردادی نیست که فقط نسبت به متعاهدان مجری باشد؛ بلکه یک اصل شناخته شده عرفی است که عمومیت جهانی دارد. بنابراین، شرکت کنندگان در مذاکرات لاهه، قاعده جدیدی وضع نکردند و تنها قاعده عرفی موجود را مدون ساختند. این قاعده در گذشته در جوامع یونانی، رومی و در قرن وسطی نیز وجود داشته است^۲

^۱- همان، ص ۴۹^۲- L.Delbez: Les principes Generaux Du Droit International public, L.G.D.J. ۱۹۶۴, p ۵۱۱-۵۱۰

هدفدار بودن جنگ (منافع و مصالح ملی)

عنصر چهارم جنگ، مشخص بودن جهت و غایت جنگ است. یعنی کشور آغازگر جنگ هدفمیین و نهائی دارد که همواره در صدد پیگیری و نیل به آن است. این هدف معمولاً تحمیل یا قبولاندن یک نقطه نظر سیاسی و یا به عبارت روشن‌تر یک‌منظور و هدف ملی می‌باشد. در واقع، کشور مهاجم مدعی است جنگی که آغاز کرده بر اساس «منافع و مصالح ملی» بوده است. اما اینکه «منافع و مصالح ملی» کدام است و بر چه پایه‌ای استوار می‌باشد، از مباحث علوم سیاسی و خارج از حوصله‌این تحقیق است.

به هر حال، هنگامی که جنگ فاقد خصیصه ملی باشد و به عنوان «ابزار سیاست‌ملی» تلقی نگردد، دیگر واجد مفهوم خاص خود نیست. فرضاً عملیات نظامی معروفه «عملیات پلیسی» را که در اساسنامه برخی سازمانهای بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد پیش‌بینی شده است، نمیتوان جنگ نامید.

ب) بررسی انواع جنگ با توجه به عرصه جنگ:

با توجه به اینکه، هنگامی که جنگی واقع می‌شود دولت‌های درگیر در جنگ ممکن است علاوه بر قلمرو سرزمینی دولتها در دریاها و فضای سرزمین دولتهای متخاصم درگیر در جنگ شوند در نتیجه جنگ‌های زمینی و دریایی و هوایی را ایجاد می‌کنند که در ادامه مطلب جهت شناخت بهتر این نمونه از جنگ‌ها به ارایه تعریفی اجمالی از آنها می‌پردازیم:

۱) جنگ‌های زمینی:

جنگی است که توسط نیروهای زمینی کشورهای متخاصم در سرزمین‌های دول متخاصم و یا گاهاً دول بیطرف واقع می‌شود امروزه با همه پیشرفتی که در فناوری هوایی و دریایی صورت گرفته است، هیچ استراتژی نظامی نمی‌تواند بدون دخالت نیروی زمینی به اهداف عمده خود برسد؛ زیرا اقدام نیروهای هوایی و دریایی معمولاً غیرمستقیم است و زمانی به تکامل می‌رسد که نیروی زمینی نیز وارد عمل شود. بهترین دلیل بر چنین ادعائی جنگ متحدان با عراق در خلیج فارس بود که از پیشرفته‌ترین امکانات دریائی و هوائی استفاده شد و متحدان با تکیه بر فناوری پیشرفته توانستند حجم زیادی از آتش را در زمانی بسیار کوتاه روی هدف هدایت کنند ولی تا زمانی که نیروهای زمینی انگلستان، فرانسه و تفنگداران دریائی آمریکا طبق اهداف تعیین شده اقدام به حمله زمینی نکردند، متحدان به اهداف از پیش تعیین شده، نرسیدند. یکی از تحولاتی که در مسائل نظامی پس از جنگ جهانی دوم

پیش آمد، این است که به علت پیشرفت فناوری و تغییر مقیاس های جغرافیائی دیگر هیچ یک از استراتژی های سه گانه نظامی (زمینی، هوائی، دریائی) به تنهایی کاربرد ندارند و به عبارت دیگر نمی توانند مستقلاً کامل کننده یک استراتژی باشند. به همین علت امروزه صحبت از استراتژی عملیات مشترک مطرح است

۲) جنگ دریایی: جنگ دریایی، مخاصمات مسلحانه ای است که از کشتی های جنگی هدایت و فرماندهی میشود و توسط ناوهای نیروی دریایی صورت می گیرد و عملیات خصمانه حتی ممکن است از دریا به زمین هم انجام شود، جنگ دریایی هیچگاه به غلبه نظامی بر دو لت محدود نمانده است و هدف چنین جنگی علاوه بر اهداف نظامی، قطع ارتباط دریایی، از بین بردن تجارت دریایی و ایجاد انزوای اقتصادی دشمن است.^۱

۳) جنگ هوایی: جنگ در قلمرو هوایی یا آسمان کشورهای متخاصم میان هواناوهای آنها و یا جنگ از قلمرو هوایی کشورهای متخاصم به قلمرو زیرین آنها (اعم از زمینی و دریایی) است

گفتار دوم) حقوق جنگ

الف) تعریف حقوق جنگ

جنگ یک وضعیت استثنائی است و طبعاً قواعد مربوط به آن نیز به نام حقوق جنگ، قواعدی استثنائی میباشد. حقوق جنگ شامل مجموعه اصول و قواعدی است که حاکم بر روابط میان کشورهای متخاصم با یکدیگر و یا میان کشورهای متخاصم با کشورهای بیطرف میباشد. بمحض آغاز جنگ، بدون توجه به چگونگی شروع آن، کشورهای متخاصم دیگر تابع حقوق زمان صلح نیستند، بلکه از حقوق جنگ تبعیت خواهند نمود؛ چه این حقوق عرفی باشد، چه قراردادی. کشورهای ثالث (یعنی کشورهائی که در مخاصمه شرکت ندارند)، خواه حقوق جنگ را مراعات نمایند یا خیر، روابط خود را با کشورهای متخاصم تابع حقوق زمان صلح نمیسازند؛ بلکه از آن پس از حقوق بیطرفی تبعیت مینمایند.^۲

ب) منابع حقوق جنگ

^۱ - p.Reuter:Droit international public,Themis,۱۹۷۳,p۳۸۰

^۲ - ضیایی بیگدلی، محمدرضا، نگرش اجمالی به حقوق جنگ، پیشین، ص ۵۱



طبقه بندی منابع

منابع حقوق جنگ بطور کلی جدا از منابع حقوق بین الملل نیست؛ مخصوصاً منابع چون عرف، اصول کلی حقوقی و قراردادهای بین المللی، جایگاه خاص خود را در حقوق جنگ دارا میباشند .

الف- عرف: از آنجا که همیشه مناسبات دوستانه و مسالمت آمیز یا بالعکس مناسبات خصمانه و غیر مسالمت آمیز، بتناوب میان ملتها وجود داشته است، بنابراین حقوق جنگ، همچون حقوق دیپلماتیک و کنسولی، پیشینه دیرین دارد که بطور کلی از عرف مایه میگیرد. به این ترتیب، عرف جایگاهی بسیار مهم و اساسی در حقوق جنگ دارد. منابع عرف متعدد و گوناگون است؛ به عنوان مثال میتوان حتی در اسنادی که توسط حکومتها و خطاب به نیروهای مسلح آنها استنیز منع عرفی غنی و سرشاری ملاحظه کرد، مانند دستورالعملهای دریائی دولترانسه مورخ ۳۱ دسامبر ۱۹۶۴ از سوی دیگر، این حقوق عرفی است که میتواند کمبودهای موجود در حقوق قراردادی یا موضوعه را رفع نماید؛ زیرا قواعد عرفی جنگ، تنها قواعد قابل اجرائی است که در صورت عدم وجود حقوق قراردادی، قادر است کشورهای متخاصم را به یکدیگر پیوند دهد .

ب- اصول کلی حقوقی: «در حقوق جنگ به اصول کلی حقوقی، نسبت به سایر منابع، کمتر بها داده شده است؛ بطوری که معمولاً بخطا حقوق جنگ را، تنها «رسوم وقوانین جنگی» میدانند؛ اما در واقع اصول کلی حقوقی در حقوق جنگ، نقشی تقریباً به همان اندازه مهم ایفا میکند که در حقوق صلح. از سوی دیگر، عرف و قراردادهای مربوط به حالت جنگ، همیشه بر اصول کلی حقوقی مبتنی میباشد . از جمله این اصول، اصل حسن نیت است که پایه و اساس روابط بین المللی را تشکیل داده و زیربنای حقوق جنگ نیز محسوب میشود»^۱

ج- قراردادهای بین المللی: قراردادها از جمله منابع عمده حقوق جنگ است و بخش اعظم این حقوق به صورت حقوق قراردادی و مدون میباشد. اینگونه قراردادهای بین المللی را میتوان به ترتیب تاریخ انعقاد، به شرح زیر برشمرد :

- ۱- اعلامیه پاریس مورخ ۱۶ آوریل ۱۸۵۶ در زمینه جنگ دریائی (تحریم راهزنی دریائی، مصونیت اموال اتباع دشمن که با کشتیهای بیطرف حمل میشود و همچنین محاصره دریائی)
- ۲- عهدنامه ژنو مورخ ۲۲ اوت ۱۸۶۴ مربوط به حمایت از مجروحان، بیماران و کادر بهداشتی .

^۱-L.Delebz,oP.Cit.p۵۱۴

- ۳- اعلامیه سنپترزبورگ مورخ ۲۹ اوت ۱۸۶۸ در مورد ممنوعیت استفاده از برخی سلاحها
- ۴- اعلامیه ۱۸۷۴ بروکسل که برای اولین بار فرق میان نظامیان و غیرنظامیان را مشخص کرد.
- ۵- عهدنامه های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه. عهدنامه های لاهه مورخ ۲۹ ژوئیه ۱۸۹۹ مشتمل بر دو قرارداد در زمینه حقوق جنگ میباشد: قرارداد مربوط به قوانین و عرفهای جنگ زمینی؛ قرارداد مربوط به تسری عهدنامه ۱۸۶۴ ژنو (فوالدکر) بهجنگهای دریائی. اما عهدنامه های لاهه مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ سیزده قرارداد را شامل است که بجز سه قرارداد ذیل، بقیه مربوط به قوانین و مقررات جنگ زمینو دریائی است: قرارداد مربوط به تحدید موارد استفاده از قوای نظامی جهتوصول مطاببات؛ قرارداد مربوط به شروع مخاصمات؛ قرارداد مربوط به اصلاح وتجديدنظر در عهدنامه های ۱۸۹۹ لاهه .
- ۶- عهدنامه ۱۹۰۴ لاهه در مورد بیطرفی کشتیهای بیمارستانی .
- ۷- عهدنامه ژنو مورخ ۶ ژوئیه ۱۹۰۶ مربوط به حمایت از بیماران و مجروحان جنگی .
- ۸- اعلامیه ۱۹۰۹ لندن در زمینه جنگ دریائی ،این اعلامیه مورد تصویبکشورها قرار نگرفت ولی امروزه آن را به عنوان تجلی بسیار کامل عرف دریائیمحسوب می دارند .
- ۹- عهدنامه واشنگتن مورخ ۶ فوریه ۱۹۲۲ مربوط به تحدید سلاحهای دریائی،محدود نمودن تعداد کشتیهای جنگی و عدم استفاده از زیردریائی^۱
- ۱۰- پروتکل ژنو مورخ ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ در زمینه منع استعمال گازهای خفقا ناآور، سمی یا مشابه آنها و نیز مواد میکروبی .
- ۱۱- عهدنامه ژنو مورخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۲۹ در مورد رفتار با مجروحان یا بیماران و سرنوشت زندانیان جنگی .
- ۱۲- پروتکل ۱۹۳۰ لندن مربوط به جنگ دریائی .
- ۱۳- قرارداد مورخ ۱۹۳۵ در زمینه حفاظت از بناهای تاریخی و مراکز علمی و هنری در زمان جنگ
- ۱۴- پروتکل لندن مورخ ۶ نوامبر ۱۹۳۶ در زمینه ممنوعیت حمله به کشتیهای بازرگانی توسط زیردریائیهها .
- ۱۵- عهدنامه های ۱۹۴۹ ژنو . عهدنامههای ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ شامل ۴ قرارداد است که سه قرارداد آن در واقع تجدید نظر در قراردادهای قبلی است و چهارمین قرارداد متضمن یک نوآوری در

^۱-ضیایی بیگدلی،حقوق بشردوستانه بین المللی،گنج دانش،کمیته بین المللی صلیب سرخ،تهران،ص ۳۲



حقوق قراردادی جنگ است. این عهدنامه‌ها عبارتند از :

الف- عهدنامه مربوط به بهبود سرنوشت مجروحان و بیماران نیروهای مسلح هنگام اردو کشی. این عهدنامه، جانشین عهدنامه های ژنو مورخ ۱۸۶۴، ۱۹۰۶، ۱۹۲۹ گردید .

ب- عهدنامه مربوط به بهبود سرنوشت مجروحان و بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریاها. این عهدنامه، جانشین یکی از عهدنامه‌های لاهه مورخ ۱۹۰۷ کهدر همین زمینه بود، گردید .ج- عهدنامه مربوط به طرز رفتار با اسیران جنگی. این عهدنامه جانشین عهدنامه ژنو مورخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۲۹ گردید . عهدنامه مربوط به حمایت از افراد غیر نظامی در زمان جنگ. امروزه عهدنامه‌های چهارگانه ژنو مهمترین اسناد بین‌المللی در زمینه حقوق جنگمیباشد که تا سال ۱۹۸۰ از تصویب یا الحاق ۱۲۸ کشور برخوردار بوده است .

۱۶- قرارداد لاهه مورخ ۱۴ مه ۱۹۵۴ در زمینه حفظ میراث فرهنگی در زمان جنگ .^۱

۱۷- پروتکل‌های ۱۹۷۷ ژنو. در ۱۰ ژوئن ۱۹۷۷ به دنبال سالها مساعی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، دو پروتکل به عنوان پروتکل‌های الحاقی به عهدنامه های ژنومورخ ۱۹۴۹ به تصویب رسید. اولین پروتکل مربوط به نبردهای مسلحانه بین‌المللی و دومین پروتکل در زمینه نبردهای مسلحانه غیر بین‌المللی است .این پروتکلها تا سال ۱۹۸۱ از تصویب ۱۷ کشور گذشته است .

۱۸- عهدنامه مورخ ۱۰ آوریل ۱۹۸۱ در مورد منع یا محدودیت استفاده از برخی سلاحهای کلاسیک که میتوانند منجر به صدمات جبرانناپذیر و یا اثرات نامشخصگردند. این عهدنامه سه پروتکل در زمینه تشعشعات هسته ای در بدن انسان، استعمال مین و تله های انفجاری و استفاده از سلاحهای آتش را به دنبالدارد. عهدنامه مذکور تا کنون قابلیت اجرایی نیافته است

۱۹- قراردادهای مربوط به منع یا تحدید سلاحهای هسته ای :

الف- قرارداد مسکو مورخ ۵ اوت ۱۹۶۳ در مورد منع آزمایشهای سلاحهای هستهای در جو، ماوراء جو و زیر دریاها .

ب- قرارداد مورخ ۲۷ ژانویه ۱۹۶۷ در زمینه اصول حاکم بر فعالیتهای کشورهای کاش و بهرهبرداری از فضای ماورای جو، کره ماه و دیگر کرات آسمانی .

ج- قرارداد مورخ اول ژوئیه ۱۹۶۸ در مورد منع گسترش سلاحهای هسته ای .



د- قرارداد مورخ ۱۱ فوریه ۱۹۷۱ در زمینه منع استقرار سلاحهای هسته ای و دیگر سلاحهای انهدام دسته جمعی در کف و زیر کف دریاها و اقیانوسها .

ه- قرارداد مورخ ۱۰ آوریل ۱۹۷۲ در مورد منع ساخت، تولید و انباشت سلاحهای میکربی یا سمی و انهدام انبارهای موجود .

و- قرارداد مورخ ۲۶ مه ۱۹۷۲ در زمینه ۸ محدود کردن سلاحهای استراتژیکی اتمی (معروف به سالت ۱)

ز- قرارداد ولادی وستک مورخ ۲۴ نوامبر ۱۹۷۴ در مورد محدود کردن سلاحهای هسته ای .

ح- قرارداد مورخ ۱۸ مه ۱۹۷۷ در زمینه منع استفاده از سلاحهای اقلیمی

ط- قرارداد مورخ ۱۸ ژوئن ۱۹۷۹ در زمینه محدود کردن سلاحهای استراتژیکی اتمی (معروف به سالت ۲)

مبحث دوم: کلیات نبرد هوایی

گفتار اول: مفهوم شناسی نبردهای هوایی

الف) تعریف نبرهای هوایی

نبرد هوایی به گونه ای از نبرد اشاره دارد که در آن از هواپیماها و دیگر ماشین های پرنده استفاده می شود و از مفاهیم جدید حقوق بین الملل می باشد که قدمت آن به سختی به یک قرن می رسد و تا پیش از این تنها نبردهای زمین و دریایی وجود داشتند اما امروزه جنگ های هوایی با پیشرفت روزافزون فن آوری توسعه یافته اند. نبردهای هوایی با هدف انجام عملیات های تهاجمی و دفاعی با هدف دستیابی به برتری های نظامی مورد استفاده قرار می گیرد.^۱

جنگ هوایی به جنگ با تکیه بر استفاده از هواپیماهای نظامی و دیگر ماشین های پرنده اشاره دارد، با این وجود با پیشرفت های تکنولوژی جنگ هوایی نیز توسعه یافته است، هدف مورد تهاجم در جنگ هوایی ممکن است هر دو جهت نظامی و اموال غیر نظامی باشد.

ویرانی جنگ هوایی نسبت به هر جنگ دیگر بالاتر است که اصولاً منجر به پیامدهای زیر است که عبارت اند از:

۱) باعث آسیب اضافی و یا درد و رنج غیرضروری به بشر می شود باعث آسیب گسترده، طولانی

^۱ p1 <<http://www.definitions.uslegal.com/a/aerial-warfare>>.



مدت و شدید به محیط زیست است.

۲) باعث آسیب رساندن به مردم با استفاده از aphyxia سمی یا سایر گازهای باکترولوژیک می‌شود. اگر چه هیچ مجموعه قانونی وجود ندارد که به جنگ هوایی اختصاص داده شود. اما برای جنگ قوانین بین‌المللی از سوی طرفین معاهدات و کنوانسیونهای مختلف تدوین شده است، از جمله قوانین لاهه و پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون ژنو که شامل محدودیت‌های مربوط به ممنوعیت‌ها و دستورالعمل‌هایی برای مبارزه با جنگ هوایی است.

براساس دکترین هوا و فضا جنگ هوایی مجموعه‌ای از یورش‌ها و حملات ناگهانی هوایی با ماهیت یکسان است که همزمان و بدنبال یک هدف مشترک انجام می‌شود به عبارت دیگر جنگی از این نوع دست‌یابی به یک هدف را در جایی دنبال می‌کند که شامل دو یا بیش از دو هواپیما است که در هر دامنه‌ای از عملیات درگیر می‌شوند و به اعمال جنگی می‌پردازند، که از جمله آن می‌توان به حملات، شناسایی، حمل و نقل و مأموریت‌ها ویژه هوایی اشاره کرد بنابراین می‌توان گفت هنگامی که یک جنگ هوایی به عنوان عملی خصمانه تعریف می‌شود دلیل این است که در واقع عملی را انجام می‌دهد یا قصد انجام عملی را دارد که دارای یک مشخصه واحد است یعنی خشونت.

در این مفهوم خشونت را باید عملی در نظر گرفت که بدون موافقت گروه متأثر یا کشور مخاطب انجام می‌شود بنابراین تجاوز، به حقوق یا جایگاه دیگر جوامع یا ملت‌ها محصور می‌گردد. شفاف سازی از این نکته اهمیت دارد چرا که در غیر این صورت جنگ هوایی خصمانه تنها مأموریت‌های مربوط به حملات هوایی را در برمی‌گرفت در حالی که مواردی که به حوزه حمل و نقل یا عملیات شناسایی و مأموریت‌های ویژه مربوط می‌شدند و همچنین جنگ افزار الکترونیک نبرد هوایی و غیره را شامل نمی‌شود در حالی که این موارد را نیز به عنوان کنش خصمانه دسته‌بندی می‌کنیم.^۱

در مفهومی دقیق نبرد هوایی مجموع عملیات نظامی و خصمانه‌ای است که از سوی کشوری به وسیله انواع هواناوها (بالن‌ها انواع هواپیماها و هلیکوپترها و غیره) علیه کشور خصم هدایت و راهبری می‌شود. جنگ هوایی شامل کلیه عملیات دیده بان شناسایی، اطلاعاتی، ایجاد رعب و وحشت، مانند شکستن دیوار صوتی قلمرو هوایی دشمن، بمباران هوایی، پرتاب انواع موشک‌های هوا به هوا، هوا به

^۱. Javier Guisandez Gomez. The law of air warfare, International (Review of the Red cross, No. ۳۲۳. ۳۰، ۶، ۱۹۹۸)، p۱۲



زمین، فرو ریختن انواع گلوله ها، مواد، گازها، مایعات زیانبار ممنوعه در قلمرو دشمن است، اعم از اینکه این امر موجب تضعیف یا انهدام دشمن بشود یا نشود.^۱

برخی از صاحب نظران حقوق جنگ برای شناخت بهتر نبرد هوایی آن را به نبردهای هوایی افقی و عمودی تقسیم نموده اند.^۲ نبرد هوایی افقی به مجموعه عملیاتی که در قلمرو هوایی یا آسمان کشورهای متخاصم میان هوا ناوهای آنها رخ دهد گفته می شود و جنگ هوا به زمین یعنی جنگ از قلمرو هوایی کشور متخاصم به قلمرو وزیرین آن (اعم از زمینی و دریایی) که به آن جنگ عمودی می گویند.

ب) تاریخچه نبردهای هوایی

با روشن شدن مفهوم، نبرد هوایی لازم به ذکر است که نبردهای هوایی اندکی پس از آن آغاز شد که بشر توانست اولین ماشین های پرنده را به پرواز در آورد یعنی زمانی که در هفتم دسامبر ۱۹۰۳ در دیتون آهایو^۳ اورینات^۴ توانست به شکل موفقیت آمیزی توانست یک پرواز ۵۲ ثانیه ای در فاصله ۲۶۰ متری و در ارتفاع ۳ متری انجام دهد و پس از آن^۵ با توسعه این صنعت از دیات استفاده از این ابزار که البته استفاده های اولیه جهت امور صلح آمیز بود.^۶

بتوان گاووتی^۷ ناحیه ی عین زارا^۸ را در طول جنگ ایتالیا و ترکیه در سال ۱۹۱۱ تا ۱۲ بمباران نمود در واقع عملی را پایه ریزی کرد که یکی از عوامل تأثیرگذار در جنگ های بالکان در سال ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۳ در این جنگ نیروی هوایی نقش مهمی در جنگ های ترکیبی هوا و زمینی داشته است.^۹ در ابتدای جنگ جهانی اول ستوان واتیو^{۱۰} و سرجوخه براگت^{۱۱} در پیروزی فرانسه در نبرد مارن

^۱. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق جنگ، پیشین، ص ۱۰۰

^۲ همان، ص ۱۰۱

^۳ Dayton, Ohio.

^۴ Orville, Wrighty.

^۵ Javier Guisandez Gomez. The Law of Air War, p۱.

^۶ Enciclopedia de Aviaciony Astronaution, Ediciones Garriga. ۱۹۷۲، ۷۰۱، ۱، p۱۰۷۸.

^۷ Lt Gavotti.

^۸ Ainzara.

^۹ Charles Rousseau, Ledroit des Conflite Armes. Editions dedone, Paris ۱۹۸۳. P۳۶۵.

^{۱۰} Lt Watteau.

^{۱۱} SgtBreguet.



نقش داشتند^۱ چرا که در اولین عملیات شناسایی هوایی موفق فرماندهان را از حرکات تاکتیکی نیروهای آلمان آگاه کردن و پس از مدت کوتاهی سرجوخه فرانتس و مکانیکش کنالت^۲ با استفاده از مسلسلی که بر هواپیما ایژن نصب شده بود آنچه را که امروز به عنوان اولین پیروزی در شلیک هوایی شناخته می‌شود رقم زد.^۳

اما پیش از اینها بالن‌های هوای داغ برای اولین بار توسط برادران جوزف و اتین مونت گولفر در سال ۱۸۷۳^۴ به پرواز درآمدند و اهداف صلح جویانه‌ای را دنبال کردند اما برای اولین بار در یک مأموریت جنگی در طول جنگ فرانکو-پورسی ۱۸۷۱ و ۱۸۷۰ به منظور شناسایی هوایی از این بالن‌ها استفاده شد.^۵

در جنگ جهانی دوم نیروی هوایی نقش اصلی در پیروزی متفقین ایفا کرد و پس از جنگ جهانی دوم تا به امروز صنعت هواپیمایی و تسلیحات هوایی نسبت به گذشته به حد غیرقابل تصویری مسیر تحول و پیشرفت را طی کرده است. در نتیجه امروز می‌توان با قاطعیت گفت که برتری در جنگ هوایی عامل اصلی پیروزی یک طرف خصم برطرف دیگر است.^۶

گفتار دوم: عرصه نبردهای هوایی

عرصه نبرد مکانی است که عملیات نظامی در آن حوزه واقع می‌شود برخی از علما انگلیسی حقوق بین‌الملل بین منطقه جنگ و جبهه جنگ تفاوت قائل شدند.

الف) منطقه جنگ و جبهه جنگ در جنگ‌های هوایی

۱) منطقه جنگی

شامل قلمرو کشورهای متخاصم است هر چند مخاصمات اصولاً در تمامی قلمرو کشورهای متخاصم جریان می‌یابد. اما ممکن است برخی نقاط کشور خصم بر حسب تصمیم یک جانبه یکی از طرفین، از مخاصمات بدور ماند.^۷

^۱. Battle of the Maren.

^۲. Sgtfrantz and Quenault.

^۳. Encielopedia de Aviacyany Astronaution. op. cit. p, ۱۰۷۹.

^۴. Montgolfier Etienne Joseph.

^۵. Jarier, Guisande Gomez. The Law of Air warfare. op. cit, p۳.

^۶. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق جنگ، پیشین، ۱۰۱

^۷. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق جنگ، پیشین، ص ۶

به طور مثال در جریان جنگ ایتالیا و ترکیه در سالهای ۱۹۱۱-۱۹۱۲ دولت ایتالیا به هیچ بخشی از سرزمین های تحت حاکمیت ترکیه چه ترکیه اروپا و چه ترکیه آسیا به غیر از جزایر دریای اژه که آنها را اشغال کرد حمله ننمود و همچنین حاکمیت مصر و کرت را محترم شمرد.^۱

برخی از سرزمین ها ممکن است طبق مقررات قرارداد صریحی که ناشی از استقرار نظام بی طرفی باشد از منطقه جنگی به دور مانند از جمله دهانه رود دانوب، کانالهای سوئز و پاناما، تنگه ماژلان، جزایر آلاند شهرهای طنجه و دانتزیگ^۲

(۲) جبهه جنگ:

در عصر حاضر منطقه موثر نبرد از فضای سرزمین متخاصمین همیشه فراتر رفته است و به دفعات اتفاق افتاده است که درگیری ها در فضای سرزمین کشورهای بی طرف واقع شده است برای مثال جنگ روسیه و ژاپن در سالهای ۱۹۰۴-۱۹۰۵ کاملاً در سرزمین منجوری (که از نظر حقوقی در سرزمین چین) و کره جریان داشت.^۳

در ۲۰ ژوئن ۱۹۴۵ دادگاه استیناف شهر مون پلیر فرانسه در رای خود چنین اظهار نظر کرد «برای تسلیحات هوایی، بعید است بتوان ناحیه نبرد را به این یا آن منطقه سرزمینی محدود کرد، زیرا ناحیه نبرد سراسر پهنه آسمان را در برمی گیرد».^۴

ب) مناطق داخل و خارج از جبهه جنگ در جنگ های هوایی

با این حال و با توجه به مطالب فوق می توان عرصه مخاصمات در جنگ هوایی را نیز مانند جنگ زمینی و دریایی به دو منطقه داخل و خارج از جبهه جنگ تفکیک نمود بین عرصه جنگ هوایی افقی و جنگ هوایی عمودی تفاوت قائل شد.

(۱) مناطق داخل در جبهه جنگ: با توجه به تعاریفی که از جنگ هوایی ارائه شد برای تعیین عرصه جنگ هوایی باید بین جنگ هوایی افقی و عمودی تفکیک قایل شد عرصه مخاصمات در جنگ هوایی افقی، پهنای آسمان است و هدف، انهدام هواناوهای دشمن، بنابراین در این رابطه هیچگونه

^۱ . رسو، شارل، مخاصمات مسلحانه بین المللی، جلد اول، ترجمه سید علی هنجی (دفتر خدمات حقوقی بین الملل، تهران، ۱۳۶۹، ص ۷۹

^۲ . Ch, Rousseau. Droit des Conflits Arme's. Paris, Pe'done. ۱۹۸۳. P, ۶۵.

^۳ . ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق جنگ، پیشین ۷۰

^۴ . Ch, Rousseau. Droit des Conflits Arme's . Op.cit . P, ۳۵۵.

محدودیتی برای کشورهای متخاصم وجود ندارد از این رو است که به محض آغاز مخاصمه، ترافیک هوایی غیرنظامی کشورها بر فراز قلمرو زمینی و آبهای سرزمینی متخاصمان قطع می‌شود زیرا در غیر این صورت هواناوهای غیرنظامی نیز ممکن است هدف حملات هوایی قرار گیرند.

عرصه مخاصمات در جنگ هوایی عمودی کاملاً متفاوت است و علیرغم پذیرش چنین جنگی طبق مقررات لاهه (۱۹۰۷) پس از جنگ جهانی اول بیهوده سعی گردیده تا این نوع جنگ را ممنوع سازند مناطق داخل در عرصه جنگ هوایی عمودی را می‌توان محدود به هدف‌های نظامی کرد.^۱

برای درک بهتر عرصه نبردهای هوایی به بررسی هدف نظامی می‌پردازیم در تعریف هدف نظامی آمده است: هدف‌های نظامی هدف‌هایی است که تخریب و انهدام کامل یا قسمتی از آنها یک برتری نظامی مشخص را تشکیل می‌دهد و ماهیتاً متضمن یک نفع نظامی است. بمباران چنین هدف‌هایی از دید حقوق بین‌الملل کاملاً مشروع و قانونی است.

بند ۳ ماده ۴۲ پروتکل اول الحاقی اهداف نظامی را نیروهای مسلح و یگان‌های خط حمله معرفی می‌کند.^۲

در خصوص نیروهای هوایی که تحت اضطراب با چتر نجات فرود می‌آیند و در مورد اینکه در چه شرایطی باید بر روی اعضای یک هواپیما آتش گشود اختلاف وجود دارد شکی نیست که یگانهای چتر باز و واحدهای جنگی هوابرد اهداف نظامی قانونی به شمار می‌آیند. به دلیل اینکه فرود آمدن با چتر از هواپیما مشخصه یک عملیات متجاوزانه است (یک حمله) لذا حتی اگر آنها در حال چتر بازی مشاهده شدند به عنوان اهداف نظامی مشروع می‌توانند مورد حمله قرار گیرند.^۳ اما از سوی گزارشگر کنفرانس دیپلماتیک یک استثنا هم مطرح شده است که در هنگام شلیک به هواپیما به طور مثال در مورد شرایط اضطرابی خارج از حوزه هدف حمله حتی یگان‌های هوابرد هم نباید نظامی تلقی شوند.^۴ اما این استثنا در عمل هیچ نمودی پیدا نکرده است. یگان‌های هوایی طرف مخالف معمولاً هنگامی که در

^۱. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق جنگ، پیشین، ص ۱۰۲.

^۲. ماده ۴۲: سرنشینان هواپیما: (۱) هیچ یک از اشخاص را که در حال اضطراب با چتر نجات از یک هواپیما به پایین می‌پرند نباید در زمان فرود هدف حمله قرار داد. (۲) به شخصی که در حال اضطراب با چتر نجات فرود آمده است بعد از فرود در قلمروی که در اختیار طرف مقابل است فرصت داده خواهد شد تا قبل از اینکه هدف حمله قرار گیرد، تسلیم شوند مگر اینکه آشکار شود که او به یک عمل خصمانه مبادرت می‌نماید (۳) سربازان هوابرد تحت حمایت این ماده قرار ندارند.

^۳. De Preum. ICRC Commentary. ۵۰۱. Para, ۱۶۵۲.

^۴. Ibid.

حال فرود با چتر و شرایط اضطراری اند قابل شناسایی نیستند. فرض خواهد شد که یگان های چتر باز در حال انجام یک عملیات هوایی هستند همین طور یگانهای هوا برد هدف نظامی تلقی می شوند مگر اینکه آشکار شود آنها با جنگ مخالفند خواه به دلیل علائمی شناسایی شوند که بر اساس آنها قصد نظامی ندارند یا قصد تسلیم شدن دارند. (که می توان آنها را تحت حمایت پروتکل الحاقی آن قرار دارد).^۱

خلاف این موضوع در مورد افراد یک هواپیما در وضعیت اضطراری مطابق بند اول و دوم ماده ۴۲ پروتکل الحاقی اول اعمال می شود. تا مدت ها روشن نبود که آیا چتر باز های حاضر در وضعیت اضطراری باید هدف نظامی تلقی شوند یا خیر بند اول ماده ۴۲ هم اکنون مساله را با این که فرود از یک هواپیما در وضعیت اضطراری اقدام نظامی افراد آن تلقی نشده و نمی توانند مورد حمله قرار گیرند حل کرده است.^۲

فرض می شود این افراد با فرود آمدن مخالف جنگ هستند و هیچ قصد نظامی ندارند. طرف مخالف باید به آنها فرصت تسلیم شدن بدهد دولت وقتی می تواند به عنوان یک هدف نظامی به آنها حمله کند که قصد اقدام نظامی آنها و یا قصد ادامه دادن نبرد آشکار شود.^۳

با این حال تعریف مرز میان اهداف نظامی و غیر نظامی همچنان دشوار است در بند دوم ماده ۵۲ در فصل اول الحاقی جامعه بین المللی تلاش کرده تا توضیح دهد چطور بین این دسته ها تفکیک صورت گیرد.^۴

^۱. ماده ۴۱ پروتکل اول الحاقی: حفاظت از دشمنی که از کارزار خارج شده است: (۱) شخصی که به عنوان خارج از کارزار شناخته شده یا با توجه به اوضاع و احوال می بایست به این عنوان شناخته شود نباید هدف حمله واقع گردد. (۲) شخصی خارج از کارزار منصوب می شود که الف) در دست نیروهای طرف مخالف خود باشد ب) به طور روشن قصد خود را مبنی بر تسلیم شدن بیان نماید. ج) در حال بیهوشی بوده و یا به دلیل جراحت و بیماری قادر به دفاع از خود نباشد مشروط بر اینکه در هر یک از این موارد از دست زدن به هر گونه عمل خصمانه خودداری کرده و قصد فرار نداشته باشد. (۳) هرگاه اشخاصی که از حق حمایت به عنوان اسیر جنگی برخوردارند در شرایط غیرعادی رزمی به دست طرف مخالف بیفتند که مانع انتقال آنها طبق شرایط مذکور در بخش اول از قسمت سوم کنوانسیون سوم باشد باید آزاد شده و تمامی احتیاطهای ممکن در خصوص حفظ امنیت آنها رعایت شود.

^۲. De Preum. ICRC Commentary. ۴۹۶-۵۰۰. Paras, ۱۶۳۴-۵۱.

^۳. Ibid, ۴۹۶-۷. Paras, ۱۶۳۹-۴۳.

^۴. ماده ۵۲ اموال غیر نظامی نباید هدف حمله یا اقدام تلافی جویانه قرار گیرند منظور از اموال غیر نظامی کلیه اموالی است که مشمول تعریف هدف های نظامی مندرج در بند ۲ نمی شوند. (۲) حمله ها منحصر باید به هدف های نظامی محدود گردد تا آنها که به اموال مربوط می شود هدف های نظامی به اموالی محدود می شود که به لحاظ ماهیت محل، هدف یا کاربرد آنها سهم موثری در عملیات نظامی داشته و تخریب کلی یا جزئی تصرف یا از کار انداختن آنها در شرایطی زمانی موجود، یک مزیت نظامی معین



هدف های نظامی بدون قید حصر عبارتند از حمله و بمباران نیروهای نظامی، استحکامات، تأسیسات، آمادگاههای ارتش، کارخانه های نظامی، خطوط مواصلاتی یا حمل و نقل در جهت استفاده نظامی.^۱

هدف های نظامی دامنه بسیار گسترده ای دارند، زیرا متضمن بمباران شهرها و اماکنی که در مجاورت بسیار نزدیک عملیات نیروهای زمینی قرار دارند و همچنین بمباران شهرها و اماکنی که جهت مجتمع های نظامی هم مورد بهره برداری قرار می گیرند، است. به علاوه شهرهای مقاوم یعنی شهرهایی که آمادگی کامل جهت پدافند هوایی دارند جز هدف های نظامی محسوب می شوند. تفکیک شهرها از حیث مقاوم بودن و بلا دفاع بودن الهام گرفته از رویه قضایی دادگاههای داوری مختلط است. یکی رای دادگاه مختلط ژرمنی - آلمانی مورخ اول دسامبر ۱۹۲۷ در قضیه برادران «کوتنکا»^۲ و دیگری رای همان دادگاه در قضیه کریادولا^۳ مورخ ۱۰ مه ۱۹۳۰ دادگاه داوری است در این آرا آلمان را به خاطر بمباران هوایی که منجر به مرگ اتباع یونانی (که در آن هنگام یونان بی طرف بود) و نیز نقض حقوق بین الملل و مقررات ۱۹۰۷ لاهه (مواد ۲۵ و ۲۶) در زمینه بمباران زمینی که بیانگر یک اصل کلی است و باید از راه قیاس به بمباران هوایی تعمیم داد مسئول شناخت.^۴ همانطور که بیان شد جنگ هوایی نیز علیه اهداف نظامی اتخاذ می شود و جمعیت غیرنظامی و اموال غیرنظامیان مستثنی هستند.

۲) مناطق خارج از جبهه جنگ در جنگ های هوایی:

در جنگ هوایی افقی هیچ نقطه ای خارج از جبهه جنگ به حساب نمی آید اما در جنگ هوایی عمودی نواحی خاصی، چه داخل قلمرو متخاصمان و چه خارج از آن، خارج از جبهه جنگ هوایی است:^۵

محسوب گردد (۳) در صورت تردید نسبت به اینکه اموالی مانند مکانهای عبادت خانه یا سایر محل های مسکونی یا یک مدرسه که به طور معمول به مقاصد غیرنظامی اختصاص دارند به نحوی مورد استناد قرار گیرند که نقش موثری در عملیات نظامی داشته باشند فرض بر آن خواهد بود که چنین نقشی ندارند.

۱. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق جنگ، پیشین، ص ۱۰۲.

۲. Coenca

۳. Kiriadolou

۴. Ch,Rousseau.Droit des Conflits Arme's. op. cit. p, ۳۶.

۵-ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق جنگ، پیشین، ص ۱۰۳